

## حکم دادگاه انقلاب علیه وکیل ژینا امینی، آقای صالح نیک‌بخت هم سیاسی است، هم امنیتی

عزیز ماملی

امر وکالت دادگستری در ایران حرفه‌ای است ستم‌زده برای وکلایی که با جسارت، به پذیرش دفاع از پرونده‌های کنش‌گران سیاسی-مدنی اقدام کرده‌اند. وکلای ایران همواره با پرونده‌سازی، بازداشت، محکومیت به حبس و ممنوعیت از حق دادخواهی و اشتغال روبرو بوده‌اند. خانم نسرن ستوده، آقایان محمد سیف‌زاده، عبدالفتاح سلطانی، ناصر زرافشان، محمد نجفی و ... نمونه‌هایی از وکلای قربانی دفاع از موکلین حقوق بشری هستند. این رویه تاکنون ادامه داشته است و آخرین مورد آن حکم محکومیت آقای صالح نیک‌بخت وکیل محترم ژینا-مهسا امینی می‌باشد.

همان‌گونه که آقای علی رضائی وکیل محترم جناب نیک‌بخت به درستی اعلام کرده‌اند، ایشان در تمام تلاش‌های بیش از نیم قرن خود در عرصه‌های رسانه‌ای، سیاسی، مدنی و حقوق بشری، فعالیت‌هایی ارزنده ارائه نموده‌اند و مهارت و بضاعت و احاطه قضایی-حقوقی ویژه خود را در خدمت ستم‌زدگان نهاده‌اند، بدون خودنمایی و هیاهوی تبلیغاتی. این ویژگی‌ها همیشه زمینه مراجعات رسانه‌های داخل و خارج کشور را به وی فراهم آورده و ایشان هر بار با جسارت و صداقت، فشارها، تضییقات و دخالت‌های ناروای پیش روی پرونده‌ها و کار وکلای دادگستری را یادآوری کرده‌اند. در گزارشی که شبکه حقوق بشر کردستان در مورد آقای نیک‌بخت منتشر کرده‌اند، چنین آمده است: "این وکیل دادگستری که سابقه روزنامه‌نگاری را نیز در کارنامه خود دارد، قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ همواره از سوی نهادهای امنیتی مورد تعقیب، احضار، ممنوعیت خروج از کشور و بازداشت قرار گرفته و حدود ۸ سال از عمر خود را در زندان به سر برده است. همچنین در کارنامه حرفه‌ای وی نجات جان حدود ۳۰ تن از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در طول دوران وکالتش دیده می‌شود."

چنین شخصیتی با کارنامه‌ای این چنین درخشان، اگر در کشوری اروپایی چون فرانسه زندگی می‌کرد، بی‌تردید تاکنون چندین مدال افتخار دریافت کرده بود، اما می‌بینیم که در جمهوری اسلامی به پای محاکمه کشانده شده و به حبس و زندان محکوم شده‌اند!

اتهامات آقای نیک‌بخت که به اعتقاد من جزو افتخاراتی است که در کارنامه وکالتی ایشان ثبت گردیده، مربوط به نارسایی‌هایی است که ناشی از نظام دادرسی سیاست‌زده و دخالت‌های کاملاً غیرقانونی قوه مجریه و نهادهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی ایران در قوه قضائیه بوده و همواره مورد ایراد و انتقاد ایشان قرار گرفته است.

باید گفت در ایران دادرسی‌های مربوط به پرونده‌های سیاسی-مدنی، نه عادلانه است نه بی‌طرفانه. عادلانه نیست به دلیل آن که با وجود دخالت‌های وزارت اطلاعات، هیچ یک از اصول مربوط به یک دادرسی منصفانه در آن رعایت نمی‌شود: علاوه بر دوران بازجویی کاملاً پنهانی و توأم با فشار و شکنجه در نهادهای امنیتی که بر خلاف منطق حقوقی، عنوان ضابط قضایی نیز دریافت کرده‌اند، در مرحله دادرسی هم تحقیقات تدافعی نیست و متهم به وکیل دادگستری دسترسی ندارد. متهمین پرونده‌های سیاسی از حق انتخاب وکیل و به طریق اولی از حق دادخواهی محروم هستند. قوه قضائیه فهرستی مرکب از بیست نفر از وکلای مورد اعتماد دستگاه قضا را تعیین نموده و کنشگران سیاسی - مدنی باید وظیفه دفاع از خود را به یکی از این وکلا محول نمایند؛ امری که آشکارا برخلاف اصل آزادی افراد در انتخاب وکیل مدافع است، به‌سان ده‌ها اصل و سنت حقوقی-قانونی دیگر که همگی تضییع می‌شوند، از جمله اصل ممنوعیت شکنجه که حتی در ماده ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به رسمیت شناخته شده و به آسانی زیر پا گذاشته می‌شود.

سیستم دادرسی ایران و روند رسیدگی به پرونده متهمین سیاسی-حقوق بشری، نه تنها عادلانه نیست بلکه کاملاً جانبدارانه است. وزارت اطلاعات رژیم پرونده‌های سیاسی-مدنی و حقوق بشری را بر خلاف مقررات مصرح در اصول قانون اساسی در دست می‌گیرد، با بهره‌گیری از آزار و شکنجه، تهدید و وحشت‌افکنی به منظور اخذ اعترافات مدنظر خویش از فرد بی‌پناه بازداشت شده، به مقاصد پلید خود دست می‌یابد و سپس پرونده را به دادرسی ارسال می‌کند.

آقای نیک‌بخت متهم شده‌اند به انجام مصاحبه در مورد پرونده‌های خود با رسانه‌هایی چون "ایران انترناشنال، بی.بی.سی و رادیو فردا"، امری که در هیچ کجای قوانین موضوعه ایران جرم‌انگاری نشده است! در حکم دادگاه آمده است:

"ارائه گزارش‌های نادرست در مسند زیر سوال بردن روند رسیدگی در دادگاهها میباید و اظهارات ایشان به عنوان سند و شاهد در جوامع بین‌المللی و به اصطلاح حقوق بشری مورد استناد قرار می‌گیرد و آقای صالح نیک‌بخت از جمله افرادی است که به دفعات با این شبکه‌ها در ارتباط بوده است."

موارد آتی‌الذکر از منظر وزارت اطلاعات علیه یک وکیل شرافتمند و متعهد جرم‌انگاری شده است:

۱- "بررسی وضعیت کولبران در ایران";

وکیل شرافتمند دادگستری با دادخواهی و دفاع از مردم و به خصوص جوانان کردستان که از سر فقر و بیکاری و برای سد جوع به "ناشغل" کولبری روی آورده‌اند، شجاعانه در دادگاه اظهار داشته است که:

"من چندین پرونده در این مورد داشته‌ام، در هیچ موردی که به کولبران یا متهمان به کولبری شلیک شده است هیچ یک از مامورین علی‌رغم این که استفاده غیرقانونی از سلاح کرده است، شخص قاتل یا شلیک کننده، به مجازات قتل عمد نرسیده و حتی در مورد این‌ها هیچ موردی من نشنیدم که به یک سال بالاتر به مجازات حبس محکوم شده باشند."

۲- "واکنش به ادعای غرق کردن مهاجران افغانستانی توسط نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی ایران";  
آقای نیک‌بخت که صرفاً با احساس وظیفه انسان‌دوستانه اقدام به موضع‌گیری انتقادی و اعتراضی در مورد بدرفتاری و ستم موجود بر علیه مهاجران بی‌پناه و ستم‌کشیده افغان نموده، چنین به قاضی توضیح می‌دهد:

"تا جایی که ما می‌دانیم، از زبان شاهدان عینی است و مردم محلی، اما به هر حال گفته می‌شود که مرزبانان ایرانی بدرفتاری داشته‌اند، تا جایی که جان آدم‌های زیادی این‌گونه گرفته شده است."

۳- "واکنش به پخش اعترافات مجرمین امنیتی از صداوسیما با ادعای اجباری بودن آن‌ها، پخش فیلمی از نوید افکاری زندانی محکوم به دو بار اعدام از صدا و سیما ایران";

آقای نیک‌بخت پاسخ داده‌اند:

"ادله و شواهدی آمده که قاعدتاً بر خلاف آن چیزی است که در دادگاه عنوان شده، بحث شکنجه مطرح است."

۴- "داستان‌پردازی و فضاسازی علیه نیروهای انتظامی و قوه قضائیه در خصوص جان‌باختن تعدادی از متهمان و بازداشتی‌ها در ایران";

در این مورد نیز وکیل متعهد دادگستری به دلیل بازگویی حقایق قضایی و واکنش به جنایات نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم که در تمامی جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی سالیان اخیر ایران قتل و کشتار هزاران نفر از مردم بی‌گناه را در پی داشته، تحت پیگرد قرار گرفته است.

۵- "نامه سرگشاده برخی از وکلای ایرانی در محکومیت حمله نظامی ترکیه به شمال سوریه";  
کارگزاران انتظامی، سیاسی و قضایی بیانیه شماری از وکلا و فعالین سیاسی-مدنی شرافتمند ایرانی را در اعتراض به لشکرکشی، اشغال سرزمین و کشتار ملت کرد توسط دولت ترکیه و نیروهای جهادپرست وابسته آن در جریان نبردهای قهرمانانه مردم روزاوا را بر نمی‌تابند، و چنان که خود جناب نیک‌بخت در دادگاه مطرح کرده بودند «دولت دوست و برادر سوریه را شنیده بودیم اما نمی‌دانستیم که دولت ترکیه برادرتر است!».

۶- "بررسی دلایل منع صدور گواهی‌نامه موتور سیکلت برای زنان در ایران";

آقای نیک‌بخت که در اغلب حوزه‌های دادخواهی مرتبط با نقض حقوق بشر فعالیت داشته‌اند و دفاع از حقوق مسلم زنان آزادیخواه را نیز همواره بخشی از مبارزات خود قرار داده‌اند، در قبال این قانون‌شکنی آشکار که صدالبته ابعادی شدیداً نمادین نیز دارد، سکوت را مجاز ندانسته و پرده از قانون‌گریزی مجریان ایدئولوژی پرست قانون برداشته‌اند! و همین حقیقت‌جویی به یکی دیگر از بهانه‌ها و ابزارهای پرونده‌سازی علیه ایشان تبدیل شده است.

۷- "تشریح روند آزادی زندانی کرد سوری محکوم به اعدام در ایران";

جناب صالح نیک‌بخت با علم و آگاهی نسبت به نقض جدی اصول مربوط به حقوق بشر و حتی قوانین داخلی ایران در پرونده یک کرد تبعه‌ی سوریه (کمال حسن رمضان) که به اعدام محکوم شده بود، و با نورتاباندن بر لایه‌های مستور امنیتی و ایرادات متعدد حقوقی پرونده، این فرد بی‌گناه را از اعدام نجات داده و به امید تاثیرگذاری بر موارد مشابه که کم‌شمار هم نیستند، روند دادرسی، صدور غیابی حکم و در نهایت نقض آن را در مصاحبه‌ای بیان کرده بود. اما چون در این پرونده موفق شده بودند مانع از پیروزی اراده یکی از نهادهای امنیتی و اعدام این شهروند بی‌گناه شوند، مورد غضب قرار گرفته و می‌خواهند این‌گونه از ایشان انتقام بگیرند.

۸- اما به واقع آن‌چه که بیش از همه این موارد و دیگر تلاش‌ها و افشاگری‌های حقوقی و قضایی چنددهه‌ای آقای صالح نیک‌بخت موجب عصبانیت حکومت شده و اسباب و ابزار پیگرد ایشان را فراهم آورده است، موضوع قتل ژینا-مهسا امینی است. آقای نیک‌بخت در کنار والدین ژینا ایستاد و با جسارت، کارآیی، بی‌پروایی از تهدیدات و بی‌اعتنائی نسبت به ترس‌گستری‌های مقامات انتظامی و اطلاعاتی، به وکالت از والدین ژینا اظهارات پزشکی قانونی را رد کرده و خواستار ارجاع پرونده به یک کمیسیون دیگر با حضور پزشکان معتمد خانواده شدند، پزشکانی نام‌آشنا و برجسته که جزو شناخته‌شده‌ترین چهره‌های علم پزشکی ایران در رشته‌های مختلف آن می‌باشند. همچنین در حکم صادره، این مطلب به روشنی و صراحت نوشته شده که آقای نیک‌بخت در مصاحبه‌های خود از واژه قتل استفاده کرده‌اند:

"طبق گزارش وزارت اطلاعات مبنی بر این که صالح نیک‌بخت وکیل خانواده مهسا [ژینا] امینی پس از حضور در جلسه پزشکی قانونی به همراه پدر متوفی مهسا امینی که برای استماع نظرات پزشکان متخصص در خصوص فوت خانم مهسا امینی تشکیل گردیده بود، پس از خروج از جلسه طی مصاحبه‌ای با روزنامه اعتماد عنوان نمود که ما در صورتی نظر پزشکی قانونی را قبول می‌نماییم که پزشکان معتمد خانواده در جریان رسیدگی به جسد و پرونده قرار گیرند و خواهان کمیته حقیقت‌یاب می‌گردد و در مصاحبه از واژه قتل مهسا امینی استفاده می‌نماید و در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید به نظر می‌رسد رسیدگی به پرونده از روال حقوقی خارج می‌شود (صفحه ۱۰۵ الی ۱۱۶ پرونده)".

وزارت اطلاعات در شکوائیه اولیه نیز بدون پنهان نمودن عصبانیت شدید خود از پافشاری آقای نیک‌بخت بر رسیدگی واقعی به موضوع، اعلام کرده بود که ایشان یا باید نظر پزشکی قانونی را قبول و آن را اعلام نماید و یا از سوی دستگاه قضایی با مجازات روبه‌رو شود، خواسته‌ای که در نهایت از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست آقای محمدرضا عموزاد اجابت شده و این قاضی بدنام دادگاه انقلاب اسلامی مبادرت به صدور حکم یا "دادنامه" مورخ شانزدهم مهرماه سال ۱۴۰۲ به شماره ۱۰۲۳۹۳۳۴۰۱۰۲۶۸۳۹۰۰۱۴۰۲ می‌نماید.

وی تصمیم قضایی خود را چنین به نگارش در آورده است: "با عنایت به محتویات پرونده و مفاد کیفرخواست صادره و گزارش پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فاتب) و رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه و گردش کار مدیرکل حقوقی - قضایی و مستندات سوابق متهم موصوف، ارتباط با شبکه معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران و گزارش وزارت اطلاعات در صفحه ۲۵۹ مبنی بر این که نامبرده مجدداً در ایام فوت مهسا امینی ضمن ادامه ارتباط با امجد امینی (پدر مهسا) اقدام به ارسال پیش‌نویس تعدادی متن فراخوان برای فوت مهسا نموده است و اظهارات کارشناس پرونده در صفحه ۲۱۴ و دفاعیات غیرمؤثر متهم و توجهها به سایر قرائن و امارات منعکس در پرونده، حاکی از آن است که اقدامات ایشان از مصادیق فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده لذا دادگاه به استناد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و بارعایت بند ب. پ ماده ۱۸ و ماده ۲۱۱ و بند ذ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (نتایج زیان‌بار و ادامه فعالیت تبلیغی علیه نظام پس از ارتکاب جرم) ضمن صدور حکم به منع از فعالیت در فضای مجازی به عنوان مجازات تکمیلی برای مدت دو سال، نامبرده را به تحمیل یک سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید."

وزارت اطلاعات بنیان‌گذار پرونده‌ای است که برای وکیل خانواده محترم ژینا امینی ساخته و پرداخته شده است. کار دادرسان‌مان گونه که در مقدمه حکم دادگاه آمده است، با گزارشی از جانب "رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه" آغاز شده است که وکیل خانواده ژینا را در مقام "کارشناس و مطلع اخبار جعلی و دروغین..." می‌شناساند. و این‌گونه است که آشکارا لاطائلات و اباطیل وزارت اطلاعات مبنای دادرسی قاضی دادگاه انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد، اما حقایقی که جناب صالح نیک‌بخت در دادخواهی و از زبان والدین ژینا امینی، در چارچوب قانون و به عنوان نقض صریح حقوق پایمال شده این خانواده داغدار برملا کرده است، نه تنها نادیده و ناشنیده مانده است، بلکه موجبات تکفیر سیاسی

ایشان را نیز فراهم آورده، چراکه تسلیم خواست «اداره بی‌تابلو» نشده و در واقع‌های با این اهمیت، این گناهی است نابخشودنی.

پرونده آقای نیک‌بخت کاملاً و بدون هیچ شبهه و گمانی، سیاسی و امنیتی است و فرآیند رسیدگی و حکم صادره نیز فراقضائی و فراقانونی می‌باشد، چراکه از صدر تا ذیل آن ردپای دخالت‌های مامورین وزارت اطلاعات رژیم را افشای کند. حکم صادره بی‌پایه و بی‌مبناست و آن را باید در چارچوب سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم جمهوری اسلامی ایران علیه جنبش ژن، ژیان، نازادی-زن، زندگی، آزادی ارزیابی نمود.